

سیستم بانکی از نگاه مطبوعات

بحث درباره جایگاه و عملکرد سیستم بانکی و نقش آن در تصحیح رونق فعالیت‌ها و اصلاح شاخص‌های اقتصادی جامعه هر سال یک بار، آنهم در گرماگرما تابستان به نقطه اوج می‌رسد، زیرا در شهریور ماه مراسم هفته بانکداری اسلامی برپا می‌شود و فرصت خوبی برای اظهار نظرهای له و علیه فراهم می‌آید.

امسال هم در شهریورماه دور تازه بحث درباره افزایش یا کاهش نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات بانکی کلید زده شد و انتشار پاسخ رسمی بانک مرکزی به منتقدان افزایش نرخ سود بانکی، دور مباحثات را تندتر کرد. بانک مرکزی در این پاسخ رسمی اعلام کرد: از عمده‌ترین کاستی‌ها و ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در برخی از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، مسأله پایین بودن نرخ سود بانک هادر مقایسه با شاخص تورم است، به طوری که طی سالیان متمادی در کشور ما تورم از رشدی فزاینده‌تر از نرخ سود سپرده‌های بانکی برخوردار بوده است و عملاً سود منفی به سپرده‌های بانکی تعلق گرفته است. نگاهی به آمارها نشان می‌دهد که تقریباً در کلیه سال‌های دهه اخیر، نرخ سود واقعی سپرده‌ها منفی بوده است. طی دهه اخیر بیشترین میزان شکاف بین نرخ سود موزون سپرده‌ها و نرخ تورم مربوط به سال ۱۳۷۴ بوده است که در آن نرخ موزون سود بانکی حدود ۱۳ درصد و نرخ تورم حدود ۵۰ درصد بوده است. در سایر سال‌ها نیز با

درجات ضعیف تر وضع بر همین منوال بوده است و در سال ۱۳۷۸ نرخ سود واقعی حدود ۸ درصد منفی بوده است. شاید چنین تصور شود که نرخ‌های سود کنترل شده و پایین تر از نرخ‌های واقعی بازار، بتواند تقاضا برای سرمایه گذاری را افزایش دهد. در پاسخ به این شبهه، یادآور می‌شود که این دیدگاه تا دهه ۷۰ میلادی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه طرفدارانی داشت. استدلال این گروه آن بود که با پایین نگهداشتن نرخ سود بانکی، میل به سرمایه گذاری افزایش می‌یابد و پایین بودن هزینه‌های مالی طرح‌ها اثرات کاهنده بر نرخ تورم بر جای خواهد گذاشت. از نیمه دهه هفتاد میلادی نظرات جدیدی در اقتصاد مطرح شد که بر مبنای آن، مشکل اصلی اقتصاد کشورهای در حال توسعه، کمبود منابع مالی و سپس تخصیص غیر بهینه این منابع تشخیص داده شد. بر اساس این تحلیل، نرخ‌های بهره بالا تر در کشورهای در حال توسعه، موجبات افزایش پس انداز و عرضه اعتبارات داخلی از طریق سیستم مالی را فراهم آورده و زمینه افزایش سرمایه گذاری را مهیا می‌کند.

بانک مرکزی سپس افزوده است: نرخ‌های کنترل شده نه تنها عرضه منابع مالی و به تبع آن، حجم سرمایه گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به کاهش متوسط نرخ بازدهی سرمایه گذاری هادر مقایسه با حداکثر نرخ‌های بازدهی قابل حصول شده و روند تخصیص بهینه منابع مالی را مختل کند. واضح است که

تغییرات قدرت خرید پول، می‌تواند ارزش واقعی سپرده افراد نزد بانک‌ها را تحت تأثیر قرار داده و بدین ترتیب فردی که نزد بانک سپرده تودیع می‌کند، در صورت ترقی قیمت هادر سرسید، مبلغی کمتر از ارزش واقعی آن در زمان تودیع، دریافت می‌کند. پیش‌بینی این وضع، می‌تواند موجب نگرانی افراد شده و تمایل آنان را به جای تودیع سپرده در بانک، به سایر گزینه‌ها برانگیزد و در نتیجه، بانک‌ها از مهم‌ترین منابع تأمین مالی خود محروم شوند.

بانک مرکزی در ادامه پاسخ رسمی خود به منتقدان، تبعات منفی ناشی از اعمال نرخ‌های واقعی سود بانکی را به این شرح بر شمرده است:

۱- تمایل افراد به سپرده گذاری در بازارهای غیر رسمی فزونی خواهد یافت و با جریان منابع به سمت بازارهای غیر رسمی، نوسانات و عدم تعادل‌هایی در زمینه اعمال سیاست‌های پولی ایجاد خواهد شد.

۲- منفی بودن نرخ سود واقعی، باعث می‌شود که افرادی به خرید دارایی‌هایی که نرخ بازده آن‌ها با تورم افزایش می‌یابد، روی آورند. این امر هجوم به بازار کالاها و ارز و سکه را تشدید می‌کند. تجارب سال‌های اخیر در ایران نشان می‌دهد که در مقاطعی فشار مردم برای خرید سکه طلا و هجوم به بازار غیر رسمی ارز افزایش داشته و این بیانگر آن است که افراد نسبت به بازده سپرده‌های خود حساس هستند.

۳- از دیگر مشکلات ناشی از غیر واقعی بودن

آفتاب یزد - ۱۳۷۹/۶/۲۱

وزیر کشاورزی:

بانک مرکزی نباید در امور بانک‌ها دخالت کند

عیسی کلانتری، عضو شورای پول و اعتبار گفت: بانک مرکزی نباید در امور داخلی و جزئی بانک‌ها از جمله تعیین نرخ سود سپرده‌ها دخالت مستقیم کند.

وزیر کشاورزی در پاسخ به خبرنگار آفتاب یزد که پرسیده بود: آیا با توجه به اهداف خصوصی سازی در برنامه سوم توسعه، تعیین نرخ سود سپرده‌ها به بانک‌ها واگذار می‌شود یا خیر؟ گفت: از متن قانون برنامه سوم چنین استنباطی می‌شود که تعیین نرخ سود سپرده باید به خود بانک‌ها واگذار شود.

وی دخالت مستقیم بانک مرکزی را در جریانات امور داخلی سایر بانک‌ها مفید ندانست و گفت: در حال حاضر، به دلیل دولتی بودن بانک‌ها این بانک مرکزی است که در مورد ایجاد و تعطیلی شعبات، افزایش حقوق کارمندان، ساعت کار بانک‌ها، نرخ سود سپرده‌ها و میزان پرداخت وام اعمال نظر می‌کند و سایر بانک‌ها استقلال در این زمینه ندارند، زیرا هر کاری را باید با تأیید بانک مرکزی که تمام امور را در انحصار خود دارد، انجام دهند.

وی در خصوص نرخ سود سپرده‌های بانکی گفت: نرخ سود سپرده‌های بانکی باید تابعی باشد از نرخ تورم کشور، زیرا در غیر این صورت، سپرده گذاران ارزش روز سپرده خود را در بانک‌ها با توجه به تورم از دست می‌دهند.

وی با اشاره به این که براساس قانون نظام بانکداری اسلامی، سود سپرده‌های بانکی علی الحساب بوده و باید بر مبنای عملکرد بانک سود قطعی سپرده گذار تعیین شود، گفت: در سال جاری تاکنون سود جدیدی تعیین نشده است و شاید متوسط سود سپرده گذار حدود سال گذشته باشد.

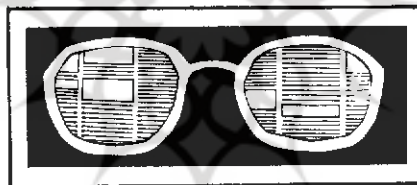
انتخاب - ۱۳۷۹/۶/۲۲

سود سپرده‌های بانکی؛ افزایش یا کاهش؟

بسیاری از صاحب نظران معتقدند که تفاوت دیدگاه در تیم اقتصادی دولت نسبت به اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور به آن اندازه واضح

برای چند کشور که برخی از آنها دارای بازارهای مالی منسجم و پیشرفته هستند، محاسبه شده است. این مقایسه نشان می‌دهد که نسبت‌های فوق‌الاشاره در کشور صادر سطح مطلوبی قرار ندارد و لذا بخشی از نقدینگی جذب نشده در سیستم بانکی، در فعالیت‌های کاذب اقتصادی وارد می‌شود. لذا کاهش بیشتر نرخ سودها به فعالیت‌های دلالی و سفته بازی دامن خواهد زد و ترکیب نقدینگی بانک‌ها را به سمت اسکناس و مسکوک و سپرده‌های دیداری سوق داده و از قدرت بانک‌ها در اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی و از طریق فرایند پس انداز - سرمایه گذاری خواهد کاست.

۷- از آنجایی که فعالیت سیستم بانکی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا صورت می‌پذیرد، اجرای صحیح این قانون مستلزم آن است که هرگونه پرداخت سود به سپرده گذاران بر اساس بازدهی در بخش واقعی اقتصاد و در چارچوب عقود اسلامی صورت پذیرد. از سوی دیگر، به لحاظ رابطه وکیل و موکل بین بانک و سپرده گذاران، بانک‌ها موظف به صیانت از منافع سپرده گذاران هستند. بنابراین، منابع سپرده شده در بانک باید در فعالیت‌هایی وارد شود که از بازدهی مناسبی برخوردار باشد. بی تردید، در صورتی که نرخ بازدهی فعلی کمتر از نرخ تورم باشد، نمی‌توان



بر اقتصادی بودن آن فعالیت صحه گذاشت. همچنین، با توجه به ملاحظات بازدهی سرمایه در بورس و سایر عوامل بازاری می‌توان اذعان کرد که نرخ‌های سود بانکی طی سال‌های گذشته تأمین کننده منافع سپرده گذاران نبوده است. تئوری اقتصاد و تجارت سیاستگذاری کلان اقتصادی به ما می‌آموزد که در تعیین نرخ‌های سود بانکی توجه به عوامل و فاکتورهای اساسی اقتصاد نظیر عوامل عرضه و تقاضا برای منابع مالی در بازار، نرخ تورم، نرخ سود در بازار سرمایه، حداقل نرخ در بازار غیرمشکل، نرخ سود اوراق مشارکت دولت، نرخ ارز و نرخ بهره در بازارهای مالی خارجی می‌باید در مدنظر قرار گیرد.

بدیهی است که این نظر در تقابل با نظر وزیر امور اقتصادی و دارایی قرار گرفت که معتقد است افزایش نرخ سود بانکی باعث افزایش هزینه تولید و متعاقباً باعث بالا رفتن نرخ تورم است. به اعتقاد وی، برای اینکه تولید رونق بگیرد، باید نرخ سود بانکی کاهش یابد.

به هر حال، طرح این نظریات پیامدهایی داشت و بعضاً بحث را به استقلال بانک مرکزی و سیستم بانکی هم کشاند. برخی از این اظهار نظرها چنین است:

نرخ‌های سود بانکی، فرار سرمایه را از کشور است. این مسأله در شرایطی که کنترل دقیقی بر حساب سرمایه و ورود و خروج آن از کشور وجود ندارد، تشدید خواهد شد. انتظارات مربوط به تضعیف ارزش پول ملی از یک طرف و نرخ‌های جذاب بهره خارجی از طرفی، تقاضا برای ارز در بازار آزاد را افزایش داده و نهایتاً منجر به افزایش قیمت ارزی می‌شود.

۴- بر طبق آمارهای موجود، سپرده‌های کوتاه مدت سهم بالایی از سپرده‌های مدت دار را به خود اختصاص داده است (حدود ۵۰ درصد). همچنین از بین افراد سپرده گذار در حساب سپرده گذاری مدت دار اکثر آنها (بیش از ۷۰ درصد) دارای سپرده‌های کمتر از ۵۰ هزار ریال هستند. به عبارت دیگر، بخش اعظمی از سپرده گذاران در حساب سرمایه گذاری کوتاه مدت دارای سپرده‌هایی در مقیاس کوچک هستند. با توجه به نرخ سود پایین این سپرده‌ها (۸ درصد) و تفاوت بیشتر آن با نرخ تورم نسبت به نرخ سود سایر انواع سپرده‌ها، زیان ناشی از منقضی بودن سود واقعی سپرده‌ها برای سپرده گذاران بیشتر است، لذا غالب زیان ناشی از بالا بودن نرخ تورم در مقایسه با نرخ سود، متوجه این گروه از سپرده گذاران می‌شود.

۵- معمولاً منابع مورد نیاز جهت سرمایه گذاری بخش خصوصی از محل سپرده‌های داخلی اشخاص و تسهیلات اعطایی از سوی بانک‌ها صورت می‌گیرد. در شرایطی که نرخ سود تسهیلات بانکی در سطحی پایین تر از نرخ واقعی آن قرار داشته باشد، تمایل افراد به استفاده از منابع بانکی افزایش خواهد یافت. این امر باعث خواهد شد تا سرمایه گذاران از منابع داخلی خود کمتر استفاده کرده و آن را در مسیر فعالیت‌های سود آورو سودا گرانه مصرف کنند، ضمن اینکه رانت اقتصادی حاصل از تسهیلات اعطایی، می‌تواند زمینه ظهور ثروت‌های باد آورده را برای دریافت کنندگان آن پدید آورد. این امر در شرایطی که امکان استفاده از این تسهیلات به واسطه سقف‌های اعتباری و سایر موانع برای همه متقاضیان آن فراهم نباشد، می‌تواند مبنای عدالت اجتماعی را نیز خدشه دار کند.

۶- در صورت منفی بودن نرخ واقعی سودهای بانکی و استمرار این وضعیت، تغییر در ترکیب سپرده‌ها و یا نامطلوب تر شدن سطح سپرده‌های بانکی، اجتناب ناپذیر خواهد بود. شاخصی که در این تحلیل مورد استفاده قرار می‌گیرد، نسبت شبه پول به نقدینگی است. شاخص مزبور نشان می‌دهد که چه سهمی از کل نقدینگی جامعه به صورت سپرده‌های پس انداز و سرمایه گذاری مدت دار در اختیار سیستم بانکی قرار دارد. برای ارایه سطح مطلوب سپرده‌های بانکی، نسبت مذکور به همراه نسبت سپرده‌های غیر دیداری به دیداری

است که نمی‌توان آن را انکار کرد، اما تعدادی از مقامات دولتی همچنان این موضوع را انکار می‌کنند.

دیدگاه متولیان و مجریان سیاست‌های پولی و مالی درباره تغییر نرخ سود سپرده و تسهیلات، یکی از نمودهای عینی چالش‌های موجود برای برون رفتن از مشکلات اقتصادی کشور میان مقامات ارشد بانک مرکزی و وزارت اقتصاد است که البته هر دو دیدگاه قابل نقد و بررسی است.

در این میان، دکتر حسین نمازی، وزیر امور اقتصادی و دارایی نگاه خوشبینانه‌ای به افزایش سود سپرده‌ها ندارد. به بیان ساده‌تر، وزیر دارایی چنان که از متن سخنرانی وی در سمینار بانکداری اسلامی برداشت می‌شود، معتقد است:

- ۱- صاحبان پس‌انداز همانند صاحبان نیروی کار صاحب حق بوده و استفاده کنندگان از این پس‌اندازها باید این حق را به آنان بپردازند،
- ۲- در این راستا نرخ سود بانکی نباید پایین‌تر از تورم باشد،
- ۳- با توجه به این که افزایش نرخ سود بانکی هزینه تولید را افزایش می‌دهد، تورم گسترش یافته و این در نهایت به ضرر صاحبان سرمایه است و ظلم مضاعفی به کسانی که پس‌انداز ندارند، می‌شود،
- ۴- برای از بین بردن شکاف بین تورم و نرخ سود بانکی تنها راه (با توجه به توضیحات بند ۳) کاهش نرخ تورم است،
- ۵- برای ایجاد اشتغال نیاز به اجرای سیاست انبساطی پولی داریم و این در حالیست که افزایش نرخ سود بانکی یک سیاست انقباضی است،
- ۶- همواره نمی‌توان شکاف بین تورم و نرخ سود را از طریق افزایش نرخ سود جبران کرد، به ویژه زمانی که نرخ تورم یک روند فزاینده را تجربه می‌کند،
- ۷- باید بین نرخ رشد اقتصادی و نرخ سود بانکی یک تعادل برقرار باشد و اگر نرخ سود بانکی بیشتر از نرخ رشد اقتصادی باشد، صاحبان پس‌انداز، به ضرر صاحبان نیروی کار سهم بیشتری از تولید ناخالص ملی را به خود تخصیص می‌دهند.

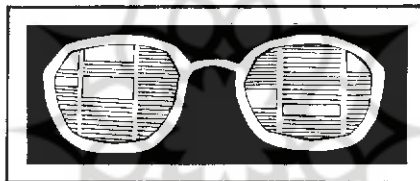
اما نگاه وزیر امور اقتصادی و دارایی قابل نقد (نه انتقاد) است:

اول- در ارتباط با موضوع بند ۳، نظر «نمازی» کاملاً منطقی و در قالب تئوری «فشار هزینه» (Cost Push) توجیه پذیر است، اما اعتبار این موضوع زمانی که هزینه تأمین سرمایه در بازار مالی غیررسمی (۳۶ تا ۴۸ درصد در سال) با هزینه تأمین رسمی سرمایه در بازار مالی (۱۶ تا ۲۴ درصد در سال) مقایسه شود، مورد تردید قرار

می‌گیرد.

دوم- در ارتباط با بند ۴ سخنان وزیر امور اقتصادی و دارایی که کاهش نرخ تورم را تنها راه برای دستیابی صاحبان پس‌انداز به حق خود معرفی کرده‌است، باید گفت که این عمل توصیه به اجرای یک سیاست انبساطی (عدم افزایش نرخ سود) است که نمود یک سیاست تورم‌زاست و نقض غرض محسوب می‌شود.

سوم- در بسنده، بخاطر وجود دغدغه اشتغال، توصیه به عدم افزایش نرخ سود بانکی می‌شود. در این ارتباط توجه به دو نکته ضروری است: ۱- یکی از مشکلات سیستم بانکی ما این است که در هدایت اعتبارات به بخش‌های تولیدی و اشتغالزا موفق نبوده‌است و این اعتبارات بیشتر جذب بخش بازرگانی شده‌است، ۲- با افزایش نرخ سود بانکی، می‌توان نقدینگی‌های سرگردان را جذب کرد و برای ایجاد اشتغال، این سپرده‌ها را تحت شرایط خاص و نظارت دقیق و با پرداخت یارانه در



کوتاه مدت به بخش تولید هدایت کرد.

چهارم- و در ارتباط با بحث لزوم وجود یک تعادل میان نرخ رشد اقتصادی و نرخ سود بانکی، به نظر می‌رسد که این موضوع در ارتباط با نرخ «سود واقعی» صادق باشد و در شرایطی که در کشور ما نرخ سود واقعی «منفی» است، برای ایجاد این تعادل باید نرخ سود بانکی افزایش یابد.

محمد شریفی، مدرس دانشگاه شهید باهنر کرمان

ایران - ۱۳۷۹/۶/۲۶

استقلال نظام بانکی کشور، اصلی فراموش شده

هفته گذشته جامعه اقتصادی ایران شاهد موضعگیری صریح و قاطعی از سوی یک نهاد اقتصادی کشور بود که سال‌ها انتظار آن را می‌کشید. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در ابتدای هفته گذشته به طور رسمی و صریح از افزایش نرخ سود سپرده‌های بانکی در حد نرخ تورم دفاع کرد و به انتظار چندین ساله کارشناسان اقتصادی کشور که خواستار موضعگیری عینی و

رسمی این نهاد عالی پولی کشور بودند، پایان داد...

اما در این میان به نظر می‌آید که با وجود بحث موافقان و مخالفان پیرامون افزایش و یا کاهش نرخ سود سپرده‌ها، یک نکته به فراموشی سپرده شد و آن هم استقلال نظام بانکی کشور از دولت است.

در این زمینه باید گفت از زمان تأسیس بانک ملی در حدود ۷۰ سال پیش که مسئولیت چاپ و انتشار پول را بر عهده داشت، تا حدود ۴۰ سال پیش که بانک مرکزی مسئولیت این امر و همچنین حفظ ارزش پول ملی و هدایت نظام بانکی کشور را بر عهده گرفت، تاکنون، نظام بانکی کشور عملاً ابزاری در دست دولت بوده است تا بتواند از طریق آن به تأمین نیازهای خود بپردازد. ابزاری بودن این نظام در دست دولت باعث شده است که شبکه بانکی کشور هر کجا که دولت کمبودی را احساس می‌کرده است، وارد شده و این کمبود را با وجود آنکه تبعات آن به نفع مردم نباشد، پر کند. اما مفهوم «استقلال نظام بانکی» کشور به این معنا است که نظام بانکی کشور با وجود منافع دولت به حفظ منافع مردم و ارزش پول ملی بپردازد.

لذا فی الواقع، تا زمانی که نظام بانکی کشور ما استقلال نداشته باشد، بحث درباره هر گونه موضوعات پولی از قبیل افزایش یا کاهش نرخ سود سپرده عبت و بیهوده است، زیرا در یک نظام پولی وابسته به دولت، این دولت است که سیاست‌های پولی را در راستای منافع خود تأمین می‌کند نه مردم. در همین راستا بررسی سوابق سیاست‌های پولی کشور در گذشته، بیش از انقلاب و پس از انقلاب نشان می‌دهد که در هر مقطعی که دولت منافع خود را در خطر می‌دید و یا با کسری بوجه شدید مواجه می‌شد، برای جبران آن به استقراض از بانک مرکزی و یا انتشار پول دست می‌زد. همچنین در ده سال گذشته باز شاهد آن بودیم که تعهدات مالی برخی از بخش‌های اقتصادی وابسته به خود را در قالب تسهیلات «تکلیفی» برگردن نظام بانکی کشور گذاشت و به نوعی به استتار کسری بوجه خود پرداخت. لذا در شرایطی که نظام بانکی کشور فاقد استقلال است و نظام پولی کشور به جای آن که به تصحیح سیاست‌های پولی کشور بپردازد، به ابزاری برای تصحیح نظام پولی دولت تبدیل شده است، افزایش یا کاهش نرخ سود سپرده‌ها تا چه اندازه می‌تواند سیاست‌های پولی کشور را درمان و تصحیح کند؟

موقتاً دردها و آلام خود را از یاد ببرد و به آرامش موقتی دست یابد که با کثرت استعمال این دارو، بدن مقاوم شده و پس از مدتی داروی آرام بخش بی اثر خواهد شد و درد و آلم به بیمار باز خواهد گشت.

افزایش سود بانکی نیز موقتاً سپرده گذاران را خوشحال خواهد نمود، ولی پس از مدت کوتاهی که قهراً این امر اثر تورمی خود را در اقتصاد کشور نشان داد، تنزل قدرت خرید سپرده گذاران از زمان قبل از افزایش سود بانکی نیز فراتر می رود، زیرا بانکها به ناگزیر بهره بانکی بیش تری از مشتریان اعتباری خود طلب خواهند کرد که این امر هزینه جاری موسسات تولیدی و کشاورزی را افزایش داده و متعاقب آن هزینه نهایی تولید نیز بالا رفته و در اثر آن، قیمت های فروش ترقی می کند و موج وار سطح قیمت ها را در کل اقتصاد متأثر خواهد نمود و عدد دو رقمی تورم را افزایش خواهد داد. بنابراین چندی بعد مجدداً همین بحث ها از سر گرفته خواهد شد. پس چه باید کرد؟

محمود جاماساز

اظهارات رییس کل بانک مرکزی درباره نرخ ارز و تسهیلات بانکی

و اما آخرین سخن این شماره مجله بانک و اقتصاد در مورد نرخ سود سپرده ها و تسهیلات بانکی مربوط به دکتر نوربخش، رییس کل بانک مرکزی است که از قول روزنامه همشهری نقل می شود:

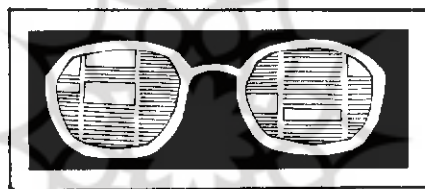
محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی در نشست مشترک مسوولان اجرایی صادرات و تشکل های صادراتی گفت: میزان بدهی دولت و مؤسسات دولتی به نظام بانکی بیش از ۱۲۲ هزار میلیارد ریال است که بازگشت آن به نظام بانکی، موجب کاهش سود تسهیلات اعتباری خواهد شد. وی افزود: سود سپرده های بانکی در حال حاضر ۸ تا ۱۸/۵ درصد (در سپرده های بلند مدت) است و هر سپرده گذار انتظار دارد که حداقل در حد میزان تورم سود از بانک دریافت کند...

وی با اشاره به حجم نقدینگی در کشور به میزان ۲۱۰ هزار میلیارد ریال، مسدود شدن بیش از نصف آن در دست مؤسسات دولتی و دولت را از دلایل ناکارایی نظام بانکی در ارایه به موقع تسهیلات ارزان به متقاضیان دانست. ■

بدست می آورند که به خودشان پراخته و خود را تجهیز و تقویت کنند.

وی با اشاره به کاهش شدید سرمایه بانکها با وجود افزایش ظاهری سرمایه آنها از محل ارزیابی مجدد دارایی هاشان، گفت: رده بانک های کشور، در رده بندی بین المللی افت کرده است و در صدهای مربوط به کفایت سرمایه با استانداردهای بین المللی فاصله دارد که باید جبران شود. وی افزود: بانک، یک موسسه اقتصادی است و آنچه که یک موسسه اقتصادی را از سایر موسسات متمایز می کند، این است که همه حرکت ها به سمت «سود» جهت گیری شده است. جهت گیری به سمت سود یکی از اهداف بانک ملی است و این روحیه باید در تمام رده ها و لایه های بانک دمیده شود، از جمله اینکه رییس شعبه مسوول سود و زیان شعبه باشد...

ایران اقتصادی - ۱۳۷۹/۶/۲۷



در نظام بانکی راهکار موقتی چاره ساز نیست

نظریه پرداخت سود بانکی به سپرده های مردم متناسب با نرخ تورم، اخیراً در محافل پولی و اقتصادی کشور موجب برانگیختن مباحثی گردیده است که جهت گیری صحیح در تمثیت آن می تواند اقتصاد جامعه را از انحرافات و تبعات تصمیمات عجولانه و بعضاً غیر منطقی در این زمینه مصون دارد...

یک نظریه می گوید که سود سپرده های بانکی را باید متناسب با نرخ تورم پرداخت نمود، یعنی باید نرخ آن را بالا برد و حتی آیت الله بجنوردی در یازدهمین سمینار بانکداری اسلامی بدون ربا، خواستار افزایش سود سپرده های مردم متناسب با نرخ تورم شده است. به این ترتیب، از نظر ایشان سود سپرده به مفهوم ربا تلقی نمی شود.

اگر عامل اعتقادات مذهبی را در این امر اقتصادی مدخلیت ندهیم - زیرا اظهار نظر در این مورد در حوزه اطلاعات فقهای محترم می باشد - اجرای نظریه اخیر همچون داروی آرام بخشی است که به بیمار تجویز می گردد تا

در همین حال، مهمترین نکته ای که نباید از آن غافل بود، نظام «سرکوب گرانه مالی» است که کشور ما به آن دچار شده است. در این نظام دولت به طور سازمان نیافته از مردم و شرکت ها مالیات می گیرد و با این کار بازار سرمایه را به انحراف می کشاند. انحراف بازار سرمایه به طور خودکار بر «نرخ بهره» بازارهای غیر رسمی تأثیر گذاشته و آن را به سمت رو به بالا هدایت می کند که این امر نیز بر نرخ تورم تأثیر فزاینده می گذارد. در این حال، اگر بانک مرکزی خواستار عدم پرداخت سود منفی به سپرده گذاران باشد، سیاستی را که نوعاً اتخاذ می کند، یک گردش دوره ای و بیهوده خواهد بود.

به هر حال، به نظر می آید در کشور ما بیش از آن که سپرده گذاران سود مثبت دریافت کنند، دو اتفاق مهم در سیاست های پولی باید رخ دهد: اول، استقلال بانک مرکزی، دوم، حذف نظام سرکوب گرانه مالی و تشکیل بازارهای سازمان یافته.

منصور بیطرف

اطلاعات - ۱۳۷۹/۶/۲۶

رییس کل بانک مرکزی ایران: ساختار مالی بانکها در پنج

سال آینده اصلاح خواهد شد

محسن نوربخش، رییس کل بانک مرکزی ایران، طی سخنانی در همایش مدیران ارشد بانک ملی ایران، اصلاح ساختار مالی بانکها را نخستین مساله دانست و گفت: در جهت اصلاح اوضاع سرمایه بانکها نیز مجوز لازم از مجلس دریافت شده و قانون گذار برای نظام بانکی معافیت هایی را قایل شده است که حاصل آن در بانک، به عنوان منابع مالی جدید محسوب می شود. وی اضافه کرد: آیین نامه ای نیز در رابطه با افزایش سرمایه بانکها به تصویب هیأت دولت رسید. وی گفت: امیدواریم از فرصت های ایجاد شده در پنج سال آینده، به منظور اصلاح ساختار مالی بانکها حداکثر استفاده را ببریم و در این زمینه بانک ملی ایران می تواند نقش بسیار هدایتگر و پیشرویی داشته باشد...

به گزارش روابط عمومی بانک ملی، در ادامه این مراسم، ولی الله سیف، مدیر عامل جدید بانک ملی ایران، گفت: با شروع برنامه سوم توسعه، بانکها وارد مرحله جدیدی شده اند، مرحله ای که بانکها این فرصت را